

## تکیه دولت

### چکیده:

تکیه‌دولت، بزرگترین تماشاخانه‌ی ایران در دوره‌ی ناصرالدین شاه، سرگذشتی عبرت‌انگیز دارد. در آغاز به عنوان فضایی برای اجرای نمایش‌های غربی و محلی برای تفریح و سرگرمی مردم ساخته شد. پس از اتمام بنا، به دلیل استقبال مردم از مراسم تعزیه در ایام محرم و صفر تبدیل به مکانی برای شبیه‌خوانی گردید. در دوره‌ی رضاشاه مجلس مؤسسان در آنجا برپا گردید و توسط او تخریب و به جای آن بانک ملی ساخته شد.

تکیه‌دولت از دو جنبه دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای است. اول اینکه، بخشی از تاریخ معماری و شهرسازی ایران است که در پی یک تداوم تاریخی و با نگاهی به تحولات صنعتی غرب شکل گرفته بود. در درجه‌ی دوم درنمایه‌ی تکیه دولت، فضایی برای اجرای نمایش سنتی تعزیه بود که ریشه‌ای طولانی در تاریخ شیعه داشته و با تخریب آن در واقع سیر قهقراپی این شیوه‌ی نمایشی را شاهد بوده‌ایم.

نگاهی به تکیه‌دولت و سیر اندیشه‌ی احداث و تخریب آن نشان می‌دهد که انقطاع تاریخی یک ملت به طور ناگهانی اتفاق نمی‌افتد. رضاشاه با اندیشه بازگشت به دوران قبل از اسلام و توجه به سلسله‌های شاهی آن دوران، با مظاهر مذهبی و عقیدتی مردم مخالفت و در یک دوران نسبتاً کوتاه با همت و هدایت‌های اندیشه‌ورزان غربی باعث و بانی یک خلاء تاریخی می‌گردد. این مسئله که از دوره‌ی ناصرالدین شاه آرام آرام آغاز شده بود، در دوره رضاشاه با شیوه‌ای خشن و سرکوبگرانه دنبال می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که ثروت ملی یک ملت، در حوزه‌ی معماری و شهرسازی، شناسنامه و کارنامه‌ی تلاش‌ها، موفقیت‌ها و احياناً ناکامی‌های وی در دوره‌های مختلف حیات اجتماعی اوست. حفظ و حراست از این بناها، به نوعی روش تکامل فرهنگی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. تخریب آنها در واقع محو و انهدام یک جریان مستمر فرهنگی می‌باشد. در اینجا تکیه‌دولت به عنوان نمونه ذکر شده است و یادآوری چگونگی تخریب آن می‌تواند توجه بیش از پیش به میراث فرهنگی را یادآوری نماید.

کلید واژگان: تکیه دولت، تکیه‌ها، تعزیه

## مقدمه

دیدار از اروپا برای ناصرالدین شاه که در صفر ۱۲۹۰ هـ. ق. (۱۲۵۱ هـ. ش) عازم آن نواحی شده و مدت پنج ماه به طول انجامیده، دستاوردهایی از جمله احداث تکیه دولت را داشته است. به نقل بسیاری از اهل تحقیق، "اروپا برای ناصرالدین شاه کشف سرگرمی‌های تازه بود و تماشاخانه یکی از این سرگرمی‌ها. او در اروپا دیده بود که چگونه گروهی می‌زنند و می‌رقصند و بازی می‌کنند. اندیشید که اگر چنین جایی ترتیب دهد یکی از بهترین سرگرمی‌ها را برای خودش فراهم آورده است" (گوران، ۱۳۶۰، ص ۷۰).

تکیه دولت، بزرگترین آملی تئاتر ایران در دوره‌ی قاجاریه و به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد. چگونگی احداث بنا، نگهداری و تخریب آن در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. علاقه‌ی شاه و رجال مملکتی به ساختن بناهای با عظمت چه در تهران و چه در شهرستان‌ها امری عادی بوده و بناهای به یادگار مانده از آن روزگار هنوز پا برجا و محل رجوع معماران و مردم می‌باشند. تا جایی که گفته می‌شود پس از صفویه، شکوفایی معماری ایران در دوره‌ی قاجاریه بوده است.

ضرورت پرداختن به این بنای معماری که نزد اهل نظر دارای ویژگی‌های ارزشمندی است از دو جنبه مورد توجه می‌باشد؛ اول اینکه نمایش تعزیه در این مرز و بوم یک نمایش سنتی و با ابعاد و اندازه‌هایی در بُعد بین‌المللی است، بنابراین پرداختن به آن از زاویه‌های مختلف مذهبی و نمایشی، می‌تواند امری جدی باشد. در درجه‌ی دوم، مکانی که به صورت مستمر در طول سال و در ایام خاص (ماه محرم و صفر) قابلیت پذیرایی از نمایش‌هایی با موضوع تعزیه را داشته باشد، وجود ندارد. سال‌های نمایش موجود عمدتاً برای شیوه‌های اجرای نمایش‌های امروزی و مدرن طراحی و ساخته شده‌اند. هم‌چنین تخریب تکیه دولت و احداث بانک ملی بر روی زمین آن دارای پیامی ضد فرهنگی نیز می‌باشد. اساساً تخریب یک بنا تنها از منظر معماری و شهرسازی مورد نظر نیست، بلکه یادآور این مسئله نیز هست که با از بین بردن یک اثر بخشی از تاریخ یک ملت دفن می‌گردد. در این مقاله با توجه به اسناد و مدارک موجود سعی می‌شود زمینه‌های اجتماعی احداث این عمارت، ویژگی‌های معماری و چگونگی تخریب آن بیان گردد.

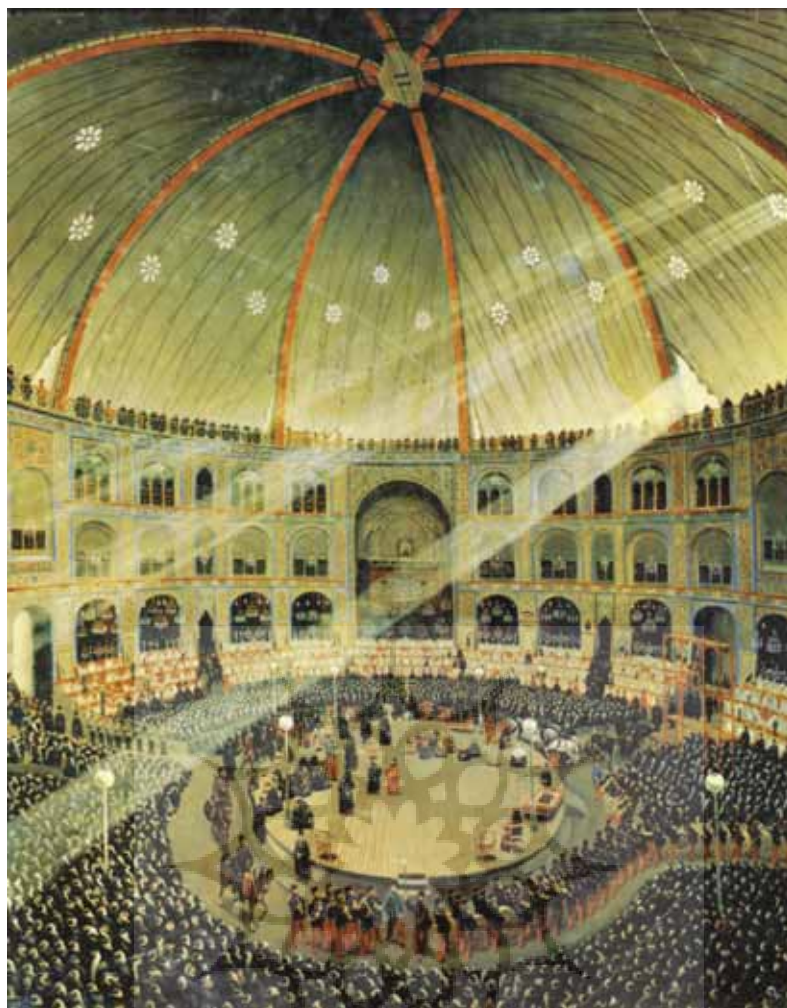
## زمینه اجتماعی تکیه دولت:

تمایل به ایجاد "تکیه" بر اساس حدس و گمان به تفکیک شریعت و طریقت در دوره‌ای نامشخص و در پاسخ به نیازهای صوفیان و درویشان برای اجرای مراسم سماع و رقص‌های صوفیانه نسبت داده می‌شود. گفته شده است که "نخستین بار در جهان اسلام، تکیه به معنای اقامتگاه صوفیان به کار رفته و با مکان‌های دیگری همچون رباط، زاویه، خانقاه، دویره و لنگر مشابهت داشته است" (کیانی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰). در دوره‌ی قاجار اگر جایی را برای اجرای تعزیه می‌ساختند یا برای نخستین بار برای این منظور در نظر می‌گرفتند، آن را تکیه می‌نامیدند (سلطان زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳).

با توجه به استقبالی که مردم از این نمایش‌ها کردند به تدریج

شیوه‌های اجرایی جدید با مضمون روضه‌خوانی در این فضاها معمول و دولت‌ها نیز به فراخور میزان علاقه‌مندی خود مشوق عزاداری شدند و گروه‌هایی برای شبیه‌گردانی پدید آمدند. گفته شده است که: "در حدود سال ۱۲۸۵ هـ. ق. در تهران بیش از سی تکیه دایر بوده و بعدها ده تا پانزده تکیه نیز بر آنها افزوده شده و تعداد آنها به چهل الی چهل و پنج تکیه رسید که بعضی از آنها هنوز هم با نام قدیم خود باقی و برقرار می‌باشند" (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۲۸۴). تکیه‌های دیگر تهران عبارتند از: تکیه نایب‌السلطنه، تکیه عضدالملک، تکیه صاحب‌دیوان، تکیه سید اسماعیل، تکیه خلیج‌ها، تکیه منوچهرخان (آرین پور، ۱۳۵۷، ص ۳۲۳)، تکیه رضاعلی خان، تکیه سرتخت، تکیه قورخانه، تکیه عزت‌الدوله، تکیه سرچشمه. هم‌چنین گفته شده است که حدود سیصد تکیه در تهران وجود داشته است (مستوفی، ۱۳۶۰، ص ۲۹۸). برخی از این تکیه‌ها در میدانچه‌ها قرار داشتند که مردم به آنها تکیه می‌گفتند. تکیه رضا قلی‌خان نمونه‌ای از این تکیه‌ها می‌باشد (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ص ۹۹). از نظر شهرسازی و استقرار مکان تکیه‌ها گفته شده است که: "بناهایی که اختصاصاً برای تکیه ساخته شده بود، اغلب در مسیر گذر اصلی دو محله را به یکدیگر پیوند می‌داد" (توسلی، ص ۸۱-۸۳). و به این ترتیب اهمیت تکیه در زندگی شهری، به ویژه در میان پیشه‌وران به حدی بود که این نهاد افزون بر محل برگزاری مراسم مذهبی، مکانی برای طرح مشکلات صنفی و اقتصادی گردید (روحانی، ۱۳۶۶، ص ۶۸). این امر احتمالاً از آنجا ناشی می‌گردید که: بخشی از مخارج اداره آن را اغلب اهالی محل با پرداخت پول نقد یا اهدای لوازم و اسباب پذیرایی تأمین می‌کردند و "بخش دیگر از درآمد از موقوفاتی همچون دکان، حجره و تیمچه تأمین می‌شد" (عنصری، ۱۳۷۲، ص ۳۹). هم‌چنین به لحاظ معماری فضای داخلی بنای تکیه اغلب به سه بخش تقسیم می‌شد؛ حیاط که موسوم به عباسیه بود و در آنجا مراسم مربوط به حضرت عباس علمدار امام حسین علیه‌السلام برگزار می‌شد، فضای سرپوشیده حسینی و اتاق‌های پشتی موسوم به زینبیه (پورکریم، ۱۳۸۱، ص ۶-۷).

با توجه به استقبال مردم به خصوص در ایام محرم و صفر از نمایش‌های شبیه‌خوانی و تعزیه در تکیه‌هایی همچون تکیه حاج میرزا آغاسی، معتبرترین و وسیع‌ترین تکیه تهران، ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳ هـ. ق. (۱۲۵۰ هـ. ش) ضمن دادن دستور شروع بنای شمس‌العماره از دوستعلی‌خان معیرالممالک خواست که تکیه بزرگی در حاشیه‌ی جنوبی ارگ سلطنتی احداث نماید. به طور طبیعی با توجه به مسئله‌ی تشخیص‌گرایی در دربار آن روزگار، تکیه منتسب به شاه باید دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و دارای عظمت خاص و نمایشگر اقتدار حکومت باشد. بنابراین اگر چه تاریخ‌نویسان و اروپاییانی که در آن زمان از ایران دیدن کرده‌اند به دو یا سه تکیه اشاره کرده‌اند ولی در مجموع همه‌ی آنها از شکوه و عظمت تکیه دولت یاد کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به تکیه سادات اخوی اشاره کرد که دارای ویژگی بارزی بود. در آن: "مردم برای پا گرفتن و رشد کودک شمع روشن کرده و هر سال با قد کشیدن کودک، شمع روشن می‌کردند، چنان که



### شروع و تثبیت تعزیه خوانی

نمایش در ایران را با شبیه‌خوانی که ریشه در مراسم عزاداری شهادت امام حسین (ع) دارد، می‌شناسند. درباره‌ی ظهور و تثبیت این شیوه‌ی نمایشی تحقیقات گوناگونی انجام یافته، ولی تنها با بررسی مدارک نمی‌توان به منشأ دقیق آن، پی برد. شروع نمایش شبیه‌خوانی را به دوران حکومت آل بویه ۳۲۰-۳۵۴ هجری قمری (۳۱۱ ه. ش) و به دستور معزالدین احمدبن بویه در سال ۳۲۴ هجری قمری می‌دانند. ادوارد براون می‌نویسد: "ابن کثیر شامی در تاریخ خود آورده: این معزالدوله دیلمی بود که در دهه اول ماه محرم امر به بستن بازارهای بغداد و سیاه پوشیدن و اجرای تعزیه سیدالشهدا داده و این رسم تا انقراض سلسله دیالمه ادامه داشته است. او همچنین نقل می‌کند که: "احمدبن ابوالفتح نیز در احسن القصص آورده که تعزیه در سال ۹۶۳ میلادی در بغداد به دستور معزالدوله بویه اجرا می‌شده است. از سویی گفته شده است که شبیه‌خوانی در فاصله سال‌های ۱۱۶۱ تا ۱۱۹۴ ه. ق. (۱۱۶۰ ه. ش) ظهور کرده است. این مراسم را نخستین بار یک انگلیسی به نام ویلیام فرانکلین در ۱۲۰۲ ق (اکتبر ۱۷۸۷ میلادی) در شیراز مشاهده و توصیف کرده است" (غفاری، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰).

ناصرالدین شاه از استقبال مردم از مراسم سینه‌زنی و اجرای مراسم

باغچه این تکیه هر سال از شمع‌های قدی پر می‌شد، همچنین از تکیه عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین شاه نام برده شده که اختصاص به بانوان داشت" (مستوفی، ۱۳۶۰، ص ۳۰۲).

آوازه‌ی تحولات دوره‌ی صنعتی در اروپا و تغییرات اجتماعی آن به‌وسیله‌ی سفیران کشورهای همسایه و اروپایی به منظور کسب اختیارات و امتیازهای بیشتر به دربار می‌رسید و رجال آن روز را برای به‌دست‌آوردن آنها حریص می‌نمود. از جمله این موارد تغییر نگاه به معماری و شهرسازی بود که در ساختمان‌های مربوط به دولت به طور مشخص دیده می‌شوند. در دوره‌ی ناصرالدین شاه عناصر جدیدی به لحاظ شهرسازی وارد می‌شوند تا چهره‌ی شهر دچار دگرگونی گردد. از جمله این عناصر تکیه دولت است که گفته شده است: "تعبیر و تفسیر و تقلیدی ظریف و استادانه از ساختمان اپرا در اروپاست" (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۳). این تکیه برای برگزاری مراسم روضه‌خوانی و اجرای تعزیه در نظر گرفته شده بود. همچنین گفته شده است که: "این بنا از پنج فرسخی تهران دیده می‌شد. و بجز این بنا گنبد‌های مساجد و غیره که بسیار مرتفع هستند، هیچ نمایان نیستند" (نجمی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰). عظمت این بنا به حدی بود که آن را به عنوان نماد تهران در عهد ناصری دانسته‌اند (سرناء، ۱۳۶۳، ص ۲۴۲).





### تاریخ بنای تکیه دولت

گفته شده است که: بنای تکیه دولت به فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۳ هجری قمری (۱۲۵۰ هـ ش) آغاز شد و به سال ۱۲۹۰ هجری قمری (۱۲۵۸ هـ ش) به پایان رسید (غفاری، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳). این تاریخ با توجه به سفر ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ هـ ق. و دیدار از آلبرت هال مغایرت دارد. با توجه به اختلاف نظرهای فراوانی که در خصوص زمان احداث این بنا وجود دارد، تلاش شده است که حتی المقدور مدارک لازم در این زمینه جمع‌آوری تا حدود تقریبی این بنای با عظمت در زمان خود مشخص گردد. اعتماد السلطنه در روزنامه شرف تحت عنوان "تکیه مبارکه دولتی" شرحی با مضمون زیر آورده است: ".....از سال هزار و دویست و هشتاد و پنج اراده علیه بندگان اعلیحضرت... به اقتضای کمال ارادت و جمال عقیدت که به اهل بیت... دارند بر این علاقه یافت تا تکیه عالی که درخور مجلس عزاداری دولتی باشد در جنب عمارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که از آثار عظیمه بلکه از ابنیه عظیم‌النظیر این عصر همایون شمرده شود" (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۲۸۸).

گفته شده است: "ساختمان عظیم تکیه دولت که بعضی از جهانگردان و نویسندگان مغرب زمین آن را شبیه و از حیث عظمت نظیر (آمی تئاتر ورونا در ایتالیا) دانسته‌اند در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس‌العماره قرار داشت" (فروغ، ۱۳۴۲، ص ۷). بسیاری از محققان و از جمله کرزن (کرزن، ۱۳۴۹، ص ۴۳۴) و اورسول بنای تکیه دولت را تقلیدی از ساختمان آلبرت هال دانسته‌اند (اورسول، ۱۳۵۲، ص ۱۶۰).

ساختمان تکیه دولت مدور آجری به قطر تقریبی شصت متر و ارتفاع حدود بیست و چهار متر بود و مساحتش را دو هزار و هشتصد و بیست و چهار مترمربع ذکر کرده‌اند. این ساختمان سه طبقه و با سردابه

عزاداری در تکیه‌های شهر با خبر بود و بنابراین در صدد برآمد تا خود نیز به نوعی در این مراسم شرکت و در جای مناسبی به تماشای شبیه‌گردانی و روضه‌خوانی بپردازد. در این مورد و با توجه به علاقه ناصرالدین شاه، گفته شده است: "شاه احساس می‌کرد که تکیه‌های موجود در تهران گنجایش آن را ندارند که همه‌ی علاقه‌مندان و شرکت‌کنندگان در مراسم عزاداری را جویگو باشند، بنابراین لازم می‌آمد که تکیه‌ای ایجاد شود تا همه مردم علاقمند و شایق اعم از مرد و زن بتوانند بدون ازدحام و فشار و ناراحتی عملیات شبیه‌گردان‌ها و مراسم تعزیه را تماشا کرده و فیض و ثوابی از این راه ببرند" (نجمی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۷).

نظر دیگری که مورد استناد بعضی از مورخان نیز می‌باشد این که ناصرالدین شاه تکیه دولت را به منظور انجام نمایش‌های تئاتری که در فرنگ دیده بود، ساخته بود و اساساً در نیت شاه هدفی برای نمایش‌های مذهبی مشاهده نمی‌گردید. بنابراین نظر، ناصرالدین شاه با اندیشه‌ی مکانی برای سرگرمی مردم دستور ساختن تکیه دولت را داد. ولی "هنوز ساختمان این تماشاخانه به انجام نرسیده بود که موجی از مخالفت برای اجرای نمایش و وجود تماشاخانه برخاست. ناصرالدین‌شاه ناگزیر آن را به تعزیه‌خوانی - نمایش‌های مذهبی - اختصاص داد تا در آن محل تعزیه‌های پرشکوه برگزار شود (همایونی، ۱۳۶۰ ص ۲۰). اما ناصرالدین‌شاه به میرزا علی اکبرخان نقاشی‌اشی مأموریت داد تا در مدرسه دارالفنون جایی برای اجرای نمایش ترتیب دهند. تماشاخانه دارالفنون چیزی نبود جز محلی خصوصی برای شاه و درباریان (گوران، ۱۳۶۰، ص ۷۳). حتی اگر این نقطه نظر را بپذیریم، آنچه در اذهان مردم مانده و با شرح برنامه‌هایی که توسط مورخان نوشته شده است، تکیه دولت با توجه به شرایط و زمینه‌های اجتماعی آن روز به عنوان یک بنا با کاربری نمایش‌های مذهبی و اجرای تعزیه ثبت شده است.

چهار طبقه داشت (ریاحی، ۱۳۴۷، ص ۱۷). در اطراف صحن، بیست طاق (هر یک به عرض هفت و نیم متر)، با دیوارها و ستون‌های کاشی‌کاری قرار داشت. روی طاق‌ها اتاق‌هایی در دو طبقه ساخته شده بود. اتاق‌های طبقه اول ویژه وزرا و حکام ولایات بود که با نظارت ناظر (کارپرداز کاخ، فراشباشی) میان ایشان تقسیم می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۱۹۰). اتاق‌های طبقه دوم اُرسی داشت و مخصوص بانوان حرم بود (اورسول، ۱۳۵۲، ص ۱۶۰). طبقه سوم، جایگاه نقره‌چی‌ها بود که با زرده‌ای حفاظت می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، ۱۹۰).

داربستی از الوار و تیرهای چوبی با میله‌ها و تسمه‌های آهنی در هم قفل و بست شده بر روی دیواره‌های بنا تعبیه کرده بودند که استخوان‌بندی سقفی را به شکل گنبد در روی صحن بنا تشکیل می‌داد. در مواقع لزوم چادر یا پارچه‌ای بر روی آن می‌کشیدند تا مردم را از تابش آفتاب و باران محفوظ بدارند. در وسط این سقف چهل چراغی آویزان بود که با چهل چراغ‌ها و قندیل‌ها و لاله‌هایی که در شب‌های تعزیه‌داری متجاوز از پنج هزار شمع در آنها روشن بود به آن بنا و مراسمی که در آن برگزار می‌شد جلوه و جلال خاصی می‌بخشید. در وسط این محوطه سکوی گردی بود به شعاع تقریبی نه متر و ارتفاع نود سانتی‌متر و برای رفتن بر روی آن دو پلکان در دو طرف آن ساخته بودند که هر کدام دارای سه پله بود. دور این سکو جاده‌ای به عرض تقریبی شش متر وجود داشت که بعضی از عملیات تعزیه از قبیل اسب‌سواری و پیکار و مسافرت و غیره در آن صورت می‌گرفت و وقایع را بهتر مجسم و آن را به واقع امر نزدیک‌تر می‌ساخت و در نتیجه به تأثیر آن می‌افزود... در یک سمت تکیه ایوان وسیعی دیده می‌شد که رواق آن با نقش‌های کاشی الوان و آجر زینت یافته بود. این ایوان وسیع جایگاه مخصوص مقام سلطنت بود. در مقابل این ایوان در انتهای صحن تکیه منبری از سنگ مرمر با چهارده پله بر روی سکوی مرتفعی قرار داشت که قبل از شروع تعزیه چند واعظ روی آن وعظ می‌کردند و مردم را برای مشاهده‌ی وقایع تعزیه آماده می‌ساختند. در اطراف صحن تکیه طاق‌نماهایی ساخته بودند به عرض تقریبی هفت مترونیوم که ستون و دیوارهای خارجی آن کاشی‌کاری بود. روی این طاق‌نماها اتاق‌هایی در دو طبقه وجود داشت که پنجره‌های آن را به صورت اُرسی درست کرده بودند. به طور کلی می‌توان گفت که اطاق

ها و طاق‌نماها و ایوان‌های تکیه دولت از لحاظ هیأت ظاهر به قدری استادانه طراحی و معماری شده بود که هر کس آن را می‌دید زیبایی و استحکام آن را احساس می‌کرد" (فروغ، ۱۳۴۲، ص ۷ و ۸).

هم‌چنین گفته شده است: "تکیه دولت محوطه‌ی وسیعی بود مستدیر که بنای سه طبقه‌ی زیبایی به ارتفاع تقریبی ۲۴ متر آن را احاطه کرده بود. قطر دایره‌ی این محوطه تقریباً شصت متر و مساحت آن در حدود دو هزار و هشتصد و بیست و شش متر بود. این بنا سقف نداشت ولی چوب‌بست‌هایی به شکل گنبد با چند میله‌ی آهنی و پشت بندهای آجری سقف آن را تشکیل می‌داد که بر روی آنها پرده‌های ضخیم کرباسی کشیده می‌شد و مردم و تماشاگران را از تابش آفتاب و باران محفوظ می‌داشت. تعداد این چوب‌بست‌های هلالی در ابتدا چهارنیم دایره بود ولی چون در اواسط سلطنت مظفرالدین شاه بنای تکیه از چند محل شکست برداشت و بیم آن می‌رفت که ناگهان سقف و طاق‌های آن بر سر مردم فرو ریزد. مظفرالدین شاه مسیو "بتن" مهندس فرانسوی را که از دیرزمانی در تهران زندگی می‌کرد به فرنگ فرستاد و او ستون‌های هلالی آهنی با خود به تهران آورد که تعداد نیم هلالی‌های آن دوازده عدد بود و همه آنها با پیچ و مهره به هم بسته شده با سیم‌های فنردار آهنی نگاهداری می‌شدند" (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۳۹۴).

از سه طبقه تکیه دولت، طبقه‌ی اول مخصوص وزیران و حکام و ولات بود و هر وزارتخانه و ایالت می‌بایست یکی از طاق‌ها را تزئین کرده و آن را آماده سازد. اعیان و رجال و بزرگان تهران به مناسبت روابط خصوصی با پیشکار یا کارگزار حکام یا دوستی با وزیر به این طاق‌نماها با دعوت یا بی‌دعوت می‌آمدند و و اکثراً ناهار هم به آنان داده می‌شد. اطاق مخصوص شاه در تکیه‌دولت یکی از غرفه‌های بالایی بود که جلو آن پرده‌ای مشکی آویخته بودند و شب‌ها هم چراغی در آن روشن نمی‌کردند، علت آن این بود که شاه و مردم آزادانه بتوانند صحنه‌های تعزیه تماشا کنند. جلو غرفه‌های فوقانی را پرده می‌کشیدند و هر غرفه متعلق به یکی از زنان حرم شاه بود که آنها هم مهمان‌های خود را که از خانواده‌های اعیان بودند برای صرف ناهار دعوت کرده ناهاری را در اندرون می‌خوردند و عصر برای تماشای تعزیه به غرفه خانم دعوت کننده می‌آمدند (نجمی،

ورودی غربی (راست)، ورودی شرقی (چپ) تکیه دولت (منصوری فرد، ۱۳۷۴، ص ۵۸۶)





پلان تکیه دولت (منصوری فرد، ۱۳۷۴، ص ۵۷۹)



پلان آلبرت هال لندن

از مهندسان قابل و معماران ماهر به امر اولیای دولت قاهره گرد آمده طرح این بنای سعادت افتخار را ریختند و در ظرف چهار پنج سال مبالغ خطیره از وجوه خاصه دولت روزافزون صرف عمارت این بنا نموده تا به پایان آوردند" (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۲۸۸).

این بنای باشکوه که بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان خرج بر داشته بود، در عصر مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ ه.ق. ۱۲۶۶ ه.ش.) تغییر شکل داد؛ زیرا وزن داربست‌های چوبی طبقه سوم آن چنان بود که ناچار شدند آن را با تیر آهن فلزی عوض کنند و یک طبقه را بر دارند. این امر توسط مهندسان فرانسوی انجام و به جای دیرک که همه ساله موقع کشیدن چادر موجب زحمات بسیار می‌گردید و اغلب دچار بادهای شدید شهریار گشته از جا کنده شده خطرانی به وجود می‌آورد. اسکلتی عرقچین مانند نیز از آهن به روی آن استوار می‌شد که چادر بر روی آن کشیده می‌شد (شهری، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱). در این بنا افزون بر برگزاری مراسم تعزیه، مراسم رسمی نیز بر پا می‌شد. مثلاً در بهار ۱۳۱۳ ه.ق. (۱۲۶۶ ه.ش.) مراسم عزاداری قتل ناصرالدین شاه در آن برپا شده و در تابستان ۱۳۰۴ ه.ش. مجلس مؤسسان برای انتخاب رضاخان به سلطنت در آن تشکیل شد. همچنین عزل احمدشاه و نگهداری جسد مظفرالدین شاه جهت انتقال به عتبات عالیات در این مکان انجام شده‌اند (کاتوزیان تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۷).

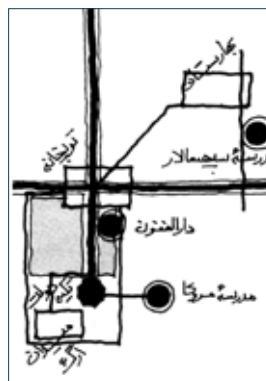
(۱۳۵۶، ص ۱۲۱).

در بسیاری از نوشتارهای مربوط به تکیه دولت این‌گونه نقل شده است که: ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۰ هجری قمری پس از دیدن رویال آلبرت هال در لندن از آن الهام گرفته و احتمالاً در ساختمان تکیه دولت که در حال اتمام بوده، تغییراتی داده شده است. اما این امر نباید درست باشد. زیرا هیچ اشاره‌ای به آن در سفرنامه شاه نشده است. از سوی دیگر بسیاری عقیده دارند که ناصرالدین شاه پس از بازگشت از نخستین سفرش از اروپا دستور داد که با استفاده از شکل معماری آلبرت هال لندن که تیاتر بزرگ سلطنتی انگلستان بود، محلی بسازند و نمایش‌های بزرگ بدهند! این کار با یاری مهندسان انگلیسی می‌بایست انجام می‌گرفت (گوران، ۱۳۶۰، ص ۷۱). این نظر با توجه به شکل کلی عمارت رویال آلبرت هال می‌تواند درست به نظر برسد.

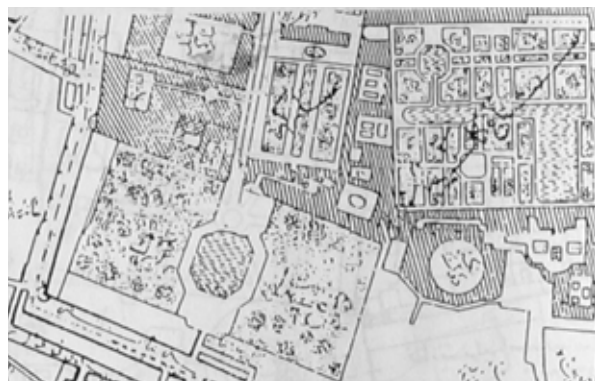
ناظر این تماشاخانه را دوستعلیخان معیرالممالک دانسته‌اند (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۲۹). گفته شده است که: "از وسط سقف گنبدی تکیه نیز یک چلچراغ آویزان بود که شب هنگام مملو از نور هزاران شمع و چراغ‌های نفتی می‌شد و همه جا را چراغانی می‌کرد و شکوه و جلال خاصی به فضا می‌بخشید (آزند، ۱۳۷۳، ص ۱۲). ذکاء از قول اعتمادالسلطنه در روزنامه شرف در شماره پنجاه و سیم ذیحجه ۱۳۰۴ ه.ق. (۱۲۶۵ ه.ش.) تحت عنوان تکیه مبارکه دولتی آورده است: "جمعی

### موقعیت تکیه دولت

محل بنای تکیه دولت در "قسمتی از دوستان خانه دولتی (زندان) و سیاه‌چال که محل آن گرمابه مخروبه متروک و مرطوبی بود و از بدترین اقسام محبس شمرده می‌شد و همچنین محل عمارات مسکونی شادروان میرزا تقی خان امیرکبیر که در همین قسمت قرار گرفته بود، انتخاب



تکیه دولت (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳)



تکیه دولت در ارگ (منصوری فرد، ۱۳۷۴، ص ۵۷۷)





گردید" (ذکاء، ۱۳۴۹ ص ۲۸۷). طراحان تکیه دولت با استفاده از تجاربی که از بناهای تکیه‌های قبلی دارالخلافه داشتند اساس بنای این تکیه را بر دایره نهاده و فضای وسیعی را با غرفه‌ها و حجره‌های چند طبقه و پلکان‌ها و یک صفه برای عملیات نمایشی در وسط تکیه ترتیب دهند (نجمی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰).

بر اساس نقشه ترسیمی توسط عبدالغفار نجم‌الملک (۱۳۰۹ ه.ق، ۱۲۷۰ ه.ش.)، تکیه دولت در ضلع جنوبی محوطه باغ گلستان و در قسمت شرقی میدان ارگ قرار داشته است. مکان تکیه دولت به گونه‌ای بوده است که از سمت شمال پیوسته با کاخ سلطنتی در ارتباط بوده و از سمت دیگر به میدانگاهی ختم می‌شد که به خیابان ناصر خسرو راه داشت. هم‌چنین از سمت غرب با میدان ارگ مرتبط می‌شد.

**ورودی‌های تکیه دولت:**

نظر به موقعیت تکیه دولت، گفته شده است که: "تکیه دولت سه در داشت. که دو راه آن مثل کوچه تکیه دولت، مقابل بازار که مخصوص مردها بود و در شمس‌العماره برای زنان که عوام نیز از آن تردد می‌کردند و در دیگری مخصوص خواص از جمله شاه و درباریان از داخل اندرون که به شاه نشین آن باز می‌گردید" (شهری، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱).

### چگونگی اجرای نمایش‌ها

در کنار صحنه منبری با ۱۴ پله قرار داشت. اطراف منبر تکیه، متجاوز از سیصد روضه‌خوان و واعظ و بیجه آخوند می‌آمدند و برای گرم کردن مجلس یکی پس از دیگری بر فراز منبر رفته و پس از خواندن روضه مختصری به زیر می‌آمدند تا آن‌گاه که شاه به تکیه وارد شده و در جایگاه مخصوص قرار می‌گرفت و آن وقت مجلس روضه خوانی پایان یافته و تعزیه آغاز می‌گردید. تعزیه‌خوان‌ها قاعدتاً بالغ بر یک صد تن بودند که قبلاً تمرین‌های لازم را به راهنمایی یا به اصطلاح امروز کارگردانی (معین البکاء) کرده و در یکی از دالان‌های وسیع تکیه گرد می‌آمدند، و جوان نابالغ خوش آوازی که به

بر اساس نقشه ترسیمی توسط عبدالغفار نجم‌الملک (۱۳۰۹ ه.ق، ۱۲۷۰ ه.ش.)، تکیه دولت در ضلع جنوبی محوطه باغ گلستان و در قسمت شرقی میدان ارگ قرار داشته است. مکان تکیه دولت به گونه‌ای بوده است که از سمت شمال پیوسته با کاخ سلطنتی در ارتباط بوده و از سمت دیگر به میدانگاهی ختم می‌شد که به خیابان ناصر خسرو راه داشت. هم‌چنین از سمت غرب با میدان ارگ مرتبط می‌شد.

نظر به موقعیت تکیه دولت، گفته شده است که: "تکیه دولت سه در داشت. که دو راه آن مثل کوچه تکیه دولت، مقابل بازار که مخصوص مردها بود و در شمس‌العماره برای زنان که عوام نیز از آن تردد می‌کردند و در دیگری مخصوص خواص از جمله شاه و درباریان از داخل اندرون که به شاه نشین آن باز می‌گردید" (شهری، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱).

ورودی بزرگ و اصلی تکیه در ضلع شرقی از جانب کوچه تکیه دولت بود و به معبر خیابان ناصر خسرو منتهی می‌شد. سر در بزرگ این ورودی دارای قوس جناقی شکل بلندی بود و ورودی آن ابعادی حدود  $۱/۸۰ \times ۳/۵۰$  متر با دری دولنگه داشت. طرفین این سردر دو صفحه با زاویه ۴۵ درجه بیرون آمده بود. این ورودی حدود ۱۰ ذرع عرض داشت که پاسخگوی دو دهانه از طاق نماهای جداره‌ی ایوان مقابل بود. در بالای ورودی ردیفی از طاق نماهای آجری قرار داشت. امتداد محور تقارن این سردر که از مرکز تکیه می‌گذرد و در سمت



درست آنان، شاه و درباریان با آسودگی خاطر سیاحان فرنگی را به تکیه دولت دعوت می‌کردند" (الگار، ۱۳۶۹، ص ۲۴۴). از آن جمله به حضور چرچیل نخست وزیر وقت انگلستان، اشاره شده است (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴).

### سرانجام تکیه دولت

تکیه دولت اگر چه با تغییر رویه از تماشاخانه به محلی برای اجرای تعزیه تبدیل شده بود، ولی نمایش‌ها نیز پس از مدتی مسیر دیگری را در پیش گرفتند. اعتمادالسلطنه در خاطرات خود می‌نویسد: "دیشب تعزیه‌ی عروسی رفتن حضرت فاطمه را در تکیه بیرون آوردند. این تعزیه را قدری رذل کرده‌اند. دیشب مخصوصاً زیادتر رذل شده بود. وقاحت به قدری شده بود و خنده‌های اهل حرم‌خانه طوری از بالاخانه‌ها به صحن تکیه می‌آمد که اشخاصی که در آنجا بودند نقل می‌کردند که از تماشاخانه‌ی مضحک فرنگستان باخنده‌تر است" (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵). هم‌چنین گفته شده است که: "تکیه دولت سال‌ها متروک و نیمه مخروبه بود تا اینکه برای ساخت بانک ملی در بازار آن را خراب کردند و بیشتر عرصه آن زیر بنای بانک گردید" (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

با استقرار رضاشاه و رابطه حسنه با دولت ترکیه (کمال آتاتورک) به این دلیل که نمی‌خواست احساسات مردم سنی مذهب را جریحه‌دار کند و در عین حال به خاطر بیم داشتن از برگزاری اجتماعات مذهبی و مقابله با شعائر مذهبی بر آن شد تا این نمایش‌های به اصطلاح خشن و وحشیانه را محدود کند. گفته شده است از حدود سال ۱۳۱۱ ه. ش. برگزاری مراسم ماه محرم و نمایش‌های تعزیه ممنوع شد. رضا شاه در سال ۱۳۲۷ ه. ش. آن را ویران (شهریاری، ۱۳۶۵، ص ۸۵) و به مهندس محسن فروغی مأموریت داد شعبه بانک ملی بازار را در این محل احداث نماید (غفاری، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵).

بچه‌خوان معروف بود اندکی جلوتر از آنها ایستاده و با صوت دلنشین و رسا ولی مؤثر و غم‌انگیزی چند بیت از بندهای اشعار محتشم می‌خواند، سپس نوحه جمعی سر داده و آهسته به راه می‌افتادند و پس از یک دور گرد تخت یا سکو می‌گشتند بر بالای آن می‌رفتند. ابتدا در برابر جایگاه شاه تعظیمی کرده به ردیف قرار می‌گرفتند و بعد معین‌البکاء که دارای قامتی متوسط و ابروانی پرپشت و محاسنی انبوه بود و کلاهی از پوست بخارا بر سر و جبه سیاهی در بر و شالی عریض بر کمر داشت، میان عصای بلندی را به دست می‌گرفت و لوله‌های نسخه اشعار تعزیه را که به دور شال زده بود، نگاه می‌کرد. در این وقت چندین فراش قرمز پوش هر یک صندلی به دست از پله‌ها بالا آمده آنها را گرد تخت می‌چیدند. آن‌گاه زنبورکچیان وارد می‌شدند، در جلو علم زنبورکخانه که مزین به طاقه شال‌های گران‌قیمت بود پیش می‌آمد. متعاقب آنها دسته سواران نیزه دار با نی‌های دسته قرمز سرطلا و ریشه گلابتون که بر بهترین مرکب شاهی سوار بودند وارد صحنه می‌شدند، به دنبال آنان سواران یساول و فراش سوار با چماق‌های طلا بر دوش آمده و می‌گذشتند و پشت سر آنها اعراب که تنها چپیه و عقال بر سر داشتند و به زبان عربی نوحه می‌خواندند، داخل گشته و از عقب آنها ده دسته موزیک نظامی وارد می‌شدند. دست آخر شترهای نقاره خانه با طمانینه و جلال و وقار قدم در تکیه می‌گذاشتند و آن‌گاه سرناچیان که با لباس‌های قرمز بر پشت اشتران سوار بودند شروع به نوازندگی می‌کردند، سپس تعزیه‌خوان‌ها با لباس‌هایی که متناسب با موضوع نقش‌های محوله بود سوار بر مرکب‌های آزرین شده وارد صحنه می‌گردند و به این ترتیب تعزیه در تکیه دولت آغاز می‌گردید (نجمی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۳).

در مورد عظمت نمایش‌ها و شکوه آنها گفته شده است: "شکوه مراسم و فضای تکیه دولت تا آنجا بود که با وجود احتیاط ایرانیان در پذیرش ورود بیگانگان به مراسم تعزیه به سبب نگرانی از واکنش نا



## نتیجه گیری:

نمایش سنتی تعزیه که از زمان دیلمیان در ایران ظهور و بروزی شکوفا داشته بود، در دوره صفویه و قاجاریه شکل تکامل یافته‌ای به خود گرفت. با توجه به استقبال بیش از حد مردم از نمایش تعزیه تکیه‌هایی به منظور برگزاری این مراسم برپا گردید که بعضی از آنها منسوب به رجال و برخی به نام محله‌ای مشخص بود. ناصرالدین شاه، پس از دیدن آلبرت هال لندن دستور داد با توجه به معماری آن، تماشاخانه‌ای در تهران برپا نمایند. این تماشاخانه که به نام تکیه دولت (همایونی) مشهور است، بزرگترین بنای دولتی تئاتری در آن زمان بوده است.

احداث این بنا و اجراهای مکرر تعزیه در آنجا مجال برای نمایش‌های غربی و اکروبات بازی آن‌گونه که مورد نظر شاه بود، باقی نگذاشت. گفته شده است: "روزها از دو ساعت بعدازظهر تا نزدیک غروب، و شب‌ها از دو تا پنج شش ساعت از شب گذشته" (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۳۰). بنابراین او تصمیم گرفت که تکیه دولت را فقط به نمایش تعزیه اختصاص دهد و درباریان نمایش‌های غربی را در سالن نمایش دارالفنون تماشا می‌کردند. با توجه به مرور زمان و عدم توجه و رسیدگی به ساختمان سقف آن دچار مشکل ناشی از سنگینی بنا گردید و در زمان مظفرالدین شاه سقف آن به طور کامل مجدداً ساخته شد.

در زمان رضا شاه، و پس از مجادلات بسیار برای مقابله با مذهب و مظاهر آن، سرانجام اجرای تعزیه ممنوع و نسل آشنا با تمدن غرب، در جست‌وجوی تکیه گاهی برای اجرای نمایش‌های اروپایی بر آمد. گفته شده است که: "این نسل واسطه که شیفتگی‌اش نسبت به تمدن فرنگ هم چشم او را بسته بود، به خود زحمت به واپس نگرستن و کوشش در شناختن آن نمایش را نداد و آسان‌تر دید که وجود ارزش‌های آن را انکار کند" (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۲۲۳). بنابر این به دستور رضاشاه تکیه دولت تخریب و به جای آن بانک ملی ساخته شد.

نمایش سنتی تعزیه که دارای ارزش‌ها و ویژگی‌های خاصی است در پی یک تداوم تاریخی می‌توانست گونه‌ای از نمایش مذهبی را تکامل بخشد. وجود تکیه دولت که مشخصه بخشی از تاریخ معماری و شهرسازی ایران را دارد، فی نفسه می‌توانست مکانی معتبر برای تداوم و تکامل این شیوه نمایشی باشد. در واقع با تخریب عمارت تکیه دولت، قسمتی از ثروت ملی و مذهبی ایران در پس یک مناقشه محو شد و از خاطره جمعی ملت ایران به مرور گریخت. این امر تنها به تکیه دولت بر نمی‌گردد، کم‌اعتنایی تاریخی ما به ثروت ملی هنوز هم ادامه دارد. و ضروری است با یادآوری چگونگی شکل‌گیری این بناها و تخریب و محو آنها، و تذکر مکرر به ارزش‌های نهفته در تاریخ خویش، از انهدام بیش از پیش ثروت ملی جلوگیری نماییم.

## منابع

آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما، جلد اول، بازگشت...بیداری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷  
 آژند، یعقوب. نمایشنامه نویسی در ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳  
 اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به

کوشش: افشار، ایرج، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۵.  
 الگار، حامد. دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه‌ی: سری، ابوالقاسم، تهران: توس، ۱۳۶۹.  
 اوین، اوژن. ایران امروز، ترجمه‌ی: سعیدی، علی اصغر، تهران: زوار، ۱۳۶۲  
 بیضایی، بهرام. نمایش در ایران، ۱۳۴۴.  
 پورکریم، هوشنگ. تزیین تکیه‌ها در دهه ماه محرم، در: ایران آذین، شماره ۱۸، فروردین ماه، ۱۳۸۱.  
 توسلی، محمود. حسینی‌ها، تکایا و مصلی‌ها، درمعماری ایران، دوره اسلامی، به کوشش: کیانی، محمد یوسف، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.  
 حمیدی، ملیحه. استخوانبندی شهر تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران، ۱۳۷۶.  
 ذکاء، یحیی. تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.  
 روحانی، کاظم. اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران، در: کیهان اندیشه، شماره ۱۲، خرداد و تیر، ۱۳۶۶.  
 ریاحی، محمد امین. هنرهای زیبا در ایران امروز، مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۷۱، ۱۳۴۷  
 سرنا، کارلا. مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه: سعیدی، غلامرضا، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.  
 سلطان زاده، حسین. روند شکل‌گیری شهر و مرکز مذهبی در ایران، تهران: پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۳.  
 سلطان زاده، حسین. فضاهای شهری در بافت تاریخی تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۲.  
 شهری، جعفر. تهران قدیم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۰.  
 شهریار، خسرو. کتاب نمایش، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵  
 شهیدی، عنایت‌الله. امیرکبیر و تکیه دولت، جهان کتاب، سال ۶، شماره ۱۹-۲۰، بهمن ماه، ۱۳۸۰.  
 ظهیرالدوله، علی. سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدینشاه به فرنگستان، رضوانی، محمد اسماعیل، ۱۳۷۱.  
 عناصری، جابر. تعزیه هنر وقفی ایران، در: میراث جاویدان، سال اول، شماره ۳، ماه پاییز، ۱۳۷۲.  
 غفاری، فرخ. تکیه‌ها و تالارهای نمایش در تهران، در کتاب: تهران پایتخت دویست ساله، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۵  
 فروغ، مهدی. تکیه دولت، مجله هنر و مردم، شماره ۲۹، اسفند ماه، ۱۳۴۲.  
 کاتوزیان تهرانی، محمدعلی. مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت، شرکت انتشار، ۱۳۷۹.  
 کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران، ترجمه‌ی: وحید مازندرانی، غ، تهران: بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۴۹.  
 کیانی، محسن. تاریخ خانقاه در ایران، تهران: طهوری، ۱۳۶۰.  
 گوران، هیوا. کوشش‌های نا فرجام، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۰.  
 مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد اول، نشر زوار، تهران: ۱۳۶۰.  
 هدایت، مهدیقلی. خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۶۳.  
 همایونی، صادق. تعزیه و تعزیه‌خوانی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۰.